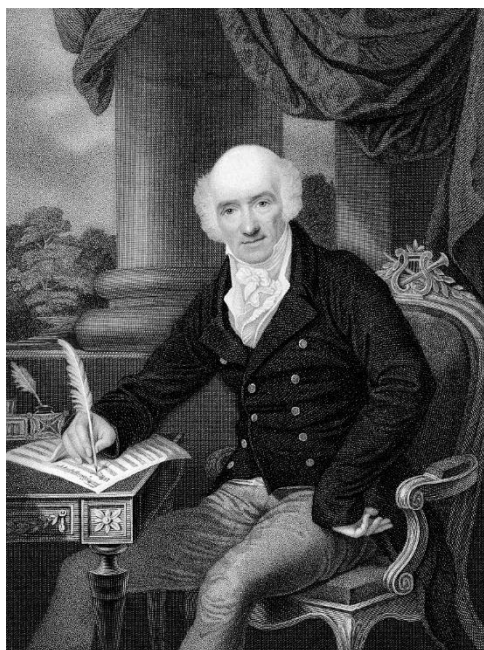


به مناسبت دویستمین سال خاموشی

جووانی باتیستا ویوتی

بهمن مه آبادی



جووانی باتیستا ویوتی

جووانی باتیستا ویوتی^۱ ویلونیسیت و آهنگساز ایتالیایی و یکی از اولین رهبران جهانی سده نوزدهم این ساز، در پیوند دادن میراث عظیم و گنجینه بزرگ موسیقی قدیم کلاسیک زادگاهش به مکتب مدرن موسیقی بعد از خود، نقشی یگانه داشت و هم او بود که بالاترین خدمات را به مکتب ویلن نوازی موسیقی آکادمیک انجام داد. بنابراین ویوتی بحق در تاریخ موسیقی جایگاهی بس ویژه دارد. درخشش و استعداد فوق العاده او در زمان حیاتش باعث فراگیر شدن آوازه شهرتش به عنوان برجسته ترین نوازنده ویلن شد.

جووانی باتیستا ویوتی در ۱۲ می ۱۷۵۵ در دهکده کوچک و کوهپایه ای فونتانتو پو^۲ از پادشاهی ساردینیا^۳ که امروزه جزو استان ورچیلی^۴ ایتالیاست چشم به جهان گشود. پدرش فلیچه ویوتی^۵ آهنگر بود و گهگاه به علت علاقه اش به موسیقی فرنچ هورن^۶ می نواخت. ویوتی از پدر علاقه مندش و از یک موسیقیدان دوره گرد به نام جووانینی اصول اولیه و ابتدایی موسیقی را فراگرفت و در همین دوران کودکی استعداد فوق العاده خود را نمایان ساخت و با جدیت به کار پرداخت. او با آنکه سرمشق های درخور و بااهمیتی نداشت ولی هم چون موسیقیدانان خبره به تمرین مشغول شد. در هشت سالگی با ویلن کوچک و کهنه ای که از یک بازارچه محلی

¹ Giovanni Battista Viotti

² Fontanetto Po

³ Kingdom of Sardinia

⁴ Province of Vercelli, Piedmont

⁵ Felice Viotti

⁶ French Horn

برایش خریده بودند، نوازندگی می‌کرد. در سیزده سالگی نبوغ او توجه اسقف فرانچسکو رُرا^۷ را به خود جلب کرد و مقدمات سفرش به تورین^۸ در سال ۱۷۶۶ فراهم شد. جوانی در تورین به خانه پرنس آلفونسو دال پُتسو دِلا سیسترنا^۹ رفت تا موسیقی بیاموزد و از همان زمان کار خود را با پونیانی^{۱۰} آغاز کرد.



گایتانو پونیانی - سال ۱۷۴۵

گایتانو پونیانی متولد ۱۷۳۱ در تورین ویلونیسْتِ ویرتوئز^{۱۱} و آهنگساز ایتالیایی، مصنف سونات‌های مشهور ویلن و اپراهای بی‌نظیر بود. او در سال ۱۷۵۲ در نمازخانه سلطنتی تورین ویلن اول را می‌نواخت. مهارت فوق‌تصورش شگفتی همگان را برمی‌انگیخت و شهرت فراگیر او را بیش از پیش می‌گسترده. در کنسرت‌های اسپریچوال^{۱۲} ۱۷۵۴ پاریس درخشیده بود و در کنسرت‌های لندن به سال ۱۷۶۸ موفقیت‌ها و پیروزی‌های غیرقابل باور و فراتر از پاریس را صاحب شده بود. پونیانی در این دوران همزمان با مدیریت تئاتر پادشاهی (۱۷۶۷ تا ۱۷۶۹)

همکاری‌های صمیمانه‌ای با یوهان کریستین باخ^{۱۳} و کارل فردریک آبل^{۱۴} داشت. بازگشت او به تورین و مدیریت نمازخانه سلطنتی در ۱۷۷۰ از دیگر اتفاقات مهم دوران زندگی پونیانی به حساب می‌آید. پونیانی ویوتی جوان را به پیشرفت‌های غیرقابل باوری در نواختن ساز محبوبش ویلن رساند. ویوتی در این دوران از ۱۷۷۳ (یا ۱۷۷۵) تا ۱۷۸۰ در رویال ارکستر دربار ساویا^{۱۵} و کلیسای آن در تورین می‌نواخت. او در تمام این مدت در صندلی آخرین نفر ویلن اول می‌نشست و کمترین حقوق را دریافت می‌کرد اما پونیانی که از قدرت و تکنیک نوازندگی ویوتی مطمئن و شادمان به نظر می‌رسید، تصمیم گرفت که از وجود او در کنسرت‌ها به عنوان

⁷ Francesco Rorà

⁸ Turin

⁹ Alfonso dal Pozzo della Cisterna

¹⁰ Gaetano Pugnani (1731-1798)

¹¹ Virtuoso

¹² Concert Spirituel

¹³ Johann Christian Bach (1735-1782)

¹⁴ Carl Friedrich Abel (1723-1787)

¹⁵ Savoia court in Turin

سولیست استفاده کند. لذا در توری که به سال ۱۷۸۰ شکل داد، از او هم دعوت به عمل آورد. این مسافرت با استاد پونیانی باعث شد که او در سرتاسر اروپا مشهور شود. نوازندگی در ژنو، برن، درسدن، برلین، ورشو، سن پترزبورگ، لندن و پاریس او را برانگیخت که باز هم یاد بگیرد و هرچه بیشتر بنوازد. پونیانی از شاگردان سومیس^{۱۶} بود که او خود نیز شاگرد آرکانجلو کورلی^{۱۷} به شمار می‌رفت. موسیقی کورلی در توسعه ژانرهای



یوهان کریستین باخ – ۱۷۷۶
اثر توماس گینزبرو



کارل فردریک آبل – ۱۷۷۷
اثر توماس گینزبرو^{۱۹}



آرکانجلو کورلی – ۱۶۹۷
اثر هیو هووارد^{۱۸}

مدرن سونات و کنسرتو برای تثبیت برتری ساز ویلن و به عنوان پیشگام درهم تنیدگی تونالیتة مدرن و هارمونی، عملکردی اصلی و کلیدی داشت. ویوتی با ورود به این مکتب موسیقی همچون تارتینی^{۲۰} به موج عظیم سنت‌های ژرف ایتالیایی پیوست که بعدها در آموزش و نتیجه کارش نقش مهمی را بازی کرد. ملاقات تاریخی پونیانی و ویوتی تقریباً غیرارادی و تا حدودی تصادفی بود. ویوتی بعد از این پیشامد بیشترین تأثیر را در انتقال برتری ویلن از قلمرو حاکمیت باستانی ایتالیا به فرانسه و آلمان باقی نهاد و در عین حال، این عمل را با نبوغ خود آبیاری کرد تا آنجا که سهم ویوتی در موسیقی مدرن آن دوران و ساز ویلن، سهمی بزرگ و غیرقابل انکار به حساب می‌آید. او نبوغ خود را هم در تکنیک و هم در نواختن ویلن نشان داد و با آثاری که تصنیف کرد دانش و توانایی‌اش را به اثبات رساند. وی تأثیرگذارترین ویلونیسست بین دو نسل تارتینی و

¹⁶ Giovanni Battista Somis (1686-1763)

¹⁷ Arcangelo Corelli (1653-1713)

¹⁸ Hugh Howard (1675-1737)

¹⁹ Thomas Gainsborough (1727-1788)

²⁰ Giuseppe Tartini (1692-1770)

پاگانینی^{۲۱} بود و آخرین نماینده برجسته مکتب کلاسیک ایتالیایی متعلق به کورللی محسوب می‌شد. لذا به خاطر ابداعاتش در آفرینش اولین سلوهای باشکوه کنسرتو می‌توان نام او را در کنار موتزارت^{۲۲} قرار داد.



نیکولو پاگانینی
اثر آندرا چفالی^{۲۴}



جوزپه تارتینی



ولفگانگ آمادئوس موتزارت
اثر باربارا کرافت^{۲۳}

کنسرتوهای او با تکنیک‌های جدید و ایده‌های جدیدتر که تا زمان ما دوام آورده‌اند و امروزه نیز جزو مشکل‌ترین آثار برای ویلن محسوب می‌شوند، نشانه‌ی وامداری و بیوتی به میراث عظیم پونینی که خود او نیز پرورش یافته مکتب مردانی چون سومیس (شاگرد کورللی) و تارتینی بود، به حساب می‌آید.

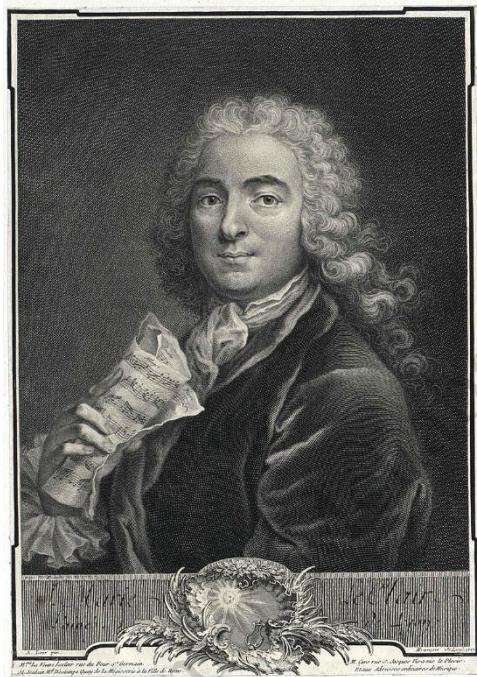


جووانی باتیستا سومیس اثر شارل-آندره فن لو^{۲۵}

جووانی باتیستا سومیس متولد ۲۵ دسامبر ۱۶۸۶ ویلونیس و آهنگساز ایتالیایی باروک و از شاگردان آرکانجلو کورللی محسوب می‌شود که در بین سال‌های ۱۷۰۳ و ۱۷۰۶ یا ۱۷۰۷ از او می‌آموخت. سومیس بعدها به عنوان ویلن سولیست پادشاه در تورین و سپس در مقام رهبر رویال باند فعال بود. در سفر پاریس به سال ۱۷۳۱ او در یکی از اولین کنسرت‌های اسپریچوال نواخت. وی سازمان دهنده استایلی

²¹ Niccolò Paganini (1782-1840)
²² Wolfgang Amadeus Mozart (1754-1791)
²³ Barbara Krafft (1764-1828)
²⁴ Andrea Cefaly (1827-1907)
²⁵ Charles André van Loo (1705-1765)

شفاف، احساسی و مبتکر تحولی تامل برانگیز در پیشبرد هنر نوازندگی ویلن بود. از شاگردان سومیس می‌توان به اسامی هنرمندانی نامی دست یافت که از آن جمله ژان ماری لُکلِر^{۲۶}، فلیچه جاردینی^{۲۷}، لوئی گابریل گیوما^{۲۸}، فرانچسکو شابران^{۲۹} و گایتانو پونیانی را می‌توان نام برد.



ژان ماری لُکلِر - ۱۷۴۱

ژان ماری لُکلِر متولد ۱۰ مه ۱۶۹۷ ویلونیست و آهنگساز باروک فرانسوی و بانی مکتب ویلن‌نوازی فرانسه زاده لیون، در تورین درس‌های ویلن و رقص را فراگرفت. لکلر در ۱۷۲۳ به پاریس برگشت و در "اسپریچوال کنسرتس" نواخت. او آثار فراوانی را در دوران حیات خود به رشته تحریر درآورد که از جمله می‌توان از ویلن سونات‌های ۲۴ گانه او تحت اپوس‌های ۱ و ۲ نام برد. شش سونات برای دو ویلن اپوس ۳، شش تریو برای دو ویلن و باس کانتینو اپوس ۴، دوازده ویلن سونات اپوس ۵، موسیقی تفریحی در رماژور اپوس ۶، شش

ویلن کنسرتو اپوس ۷، موسیقی تفریحی در سل ماژور اپوس ۸، دوازده ویلن سونات دیگر اپوس ۹، شش ویلن کنسرتو اپوس ۱۰، یک اپرا به نام سیلا و گلائوکوس^{۳۰} و اپوس ۱۱، شش سونات برای دو ویلن اپوس ۱۲، شش تریو سونات برای دو ویلن و باس کانتینو که سه تای آنها تحت عنوان اورتور معرفی شده‌اند اپوس ۱۳، یک تریو برای دو ویلن و باس کانتینو اپوس ۱۴ در لا ماژور، ویلن سونات در فا ماژور اپوس ۱۵ و البته دیگر آثار نام برد. لکلر در ۲۲ اکتبر ۱۷۶۴ در پاریس درگذشت.

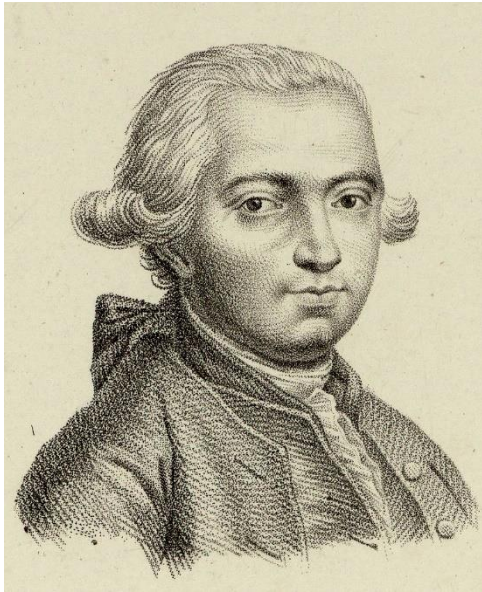
²⁶ Jean-Marie Leclair (1697-1764)

²⁷ Felice Giardini (1716-1796)

²⁸ Louis-Gabriel Guillemain (1705-1770)

²⁹ Francesco Chiabrano (1719-)

³⁰ Scylla et Glaucus



فلیچه جاردینی - ۱۷۴۵

دیگر شاگرد نامدار سومیس، فلیچه جاردینی آهنگساز و ویلونیسیت ایتالیایی است که در ۱۲ آوریل ۱۷۱۶ در تورین متولد شد. پدرش او را به میلان فرستاد تا آواز، هارپسیکورد و ویلن تحصیل کند. فلیچه در ۱۲ سالگی در یک ارکستر تأثر می‌نواخت و دستیار کنسرت مایستر بود. در حدود سال‌های ۱۷۵۰ جاردینی تور کنسرتی خود را برپا کرد و به عنوان ویلونیسیت در پاریس، برلین و البته در انگلستان با موفقیت نواخت و در لندن بود که برای سال‌های زیادی به عنوان مدیر و رهبر اپرای ایتالیایی

منسوب شد و با حمایت دوست صمیمی‌اش یوهان کریستین باخ، سلوی کنسرت‌های خود را اجرا کرد و ارکستر لندن پانتئون^{۳۱} را رهبری نمود. از اواسط دهه ۵۰ تا اواخر دهه شصت سده ۱۸م میلادی مردم در انگلیس او را به عنوان ویلونیسیت ویرتوئز به خوبی می‌شناختند. در سال ۱۷۸۴ برای مدیریت یک مجموعه فرهنگی به ناپل رفت اما با شکست مالی روبرو گردید و دوباره در ۱۷۹۳ به انگلیس بازگشت و این زمانی بود که دیگر کسی او را به یاد نداشت! پس به روسیه سفر کرد اما آن جا هم بخت با او یار نبود و در ۱۷۹۶ در مسکو دارفانی را وداع گفت. جاردینی برای ژانرهای گوناگون، موسیقی نوشته است اما کار اصلی او، اپرا و موسیقی مجلسی بود. از آثار باقیمانده جاردینی چند آواز و تعدادی کار برای موسیقی مجلسی را می‌توان ذکر کرد. او به عنوان یک ویلونیسیت، طریقه نوشتن برای سازهای زهی را بسیار خوب می‌دانست و می‌توانست عالی‌ترین کیفیت صدایی را از ساز استخراج کند. موسیقی مجلسی جاردینی استایل گالانت^{۳۲} را با موسیقی کلاسیک نیمه دوم قرن هجدهم یوهان کریستین باخ، کارل اشتامیتس^{۳۳} و مکتب مانهایم^{۳۴} درهم آمیخته است. در استایل گالانت تأکید آهنگساز به اجرای سولیستی بیش از دیگر بخش‌های گوناگون ساختمان اثر معطوف است. سبک گالانت مربوط به دوره روکوکوست^{۳۵} که در سال‌های آخر دوره باروک معمول گردید. از

³¹ Pantheon, London

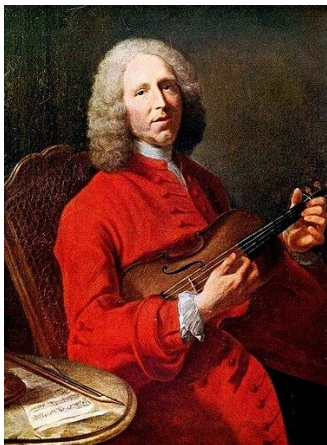
³² Galant style

³³ Carl Philipp Stamitz (1745-1801)

³⁴ Mannheim School

³⁵ Rococo

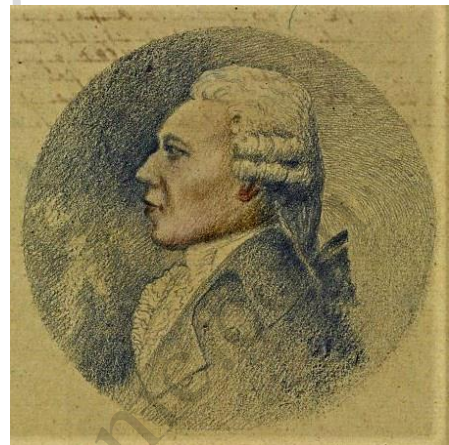
مشخصات این سبک می‌توان لایت^{۳۶} بودن موسیقی و بیان صمیمانه آن را با استفاده از اشکال گوناگون و باشکوه آرنامنتو^{۳۷} ذکر کرد. ژان-فیلیپ رامو^{۳۸}، لویی کلود داکن^{۳۹}، فرانسوا کوپرن^{۴۰} در فرانسه و کارل امانوئل باخ^{۴۱} و یوهان کریستن باخ دو تا از پسران باخ بزرگ در آلمان از پیروان این مکتب بودند. از جاردینی حداقل ۱۸ تریو برای ویلن، آلتو و چلو باقیست. کوارتت‌های زهی و دیگر کوارتت‌هایش در زمان او از آثار پیشرو آن دوران محسوب می‌شدند.



ژان-فیلیپ رامو اثر ژاک اُوید^{۴۲}
۱۷۲۸



لویی کلود داکن



کارل اشتامیتس



کارل امانوئل باخ اثر فرانتس گُنراد لُهر^{۴۳}



فرانسوا کوپرن

³⁶ Light

³⁷ Ornamentation

³⁸ Jean-Philippe Rameau (1683-1764)

³⁹ Louis-Claude Daquin (1694-1772)

⁴⁰ François Couperin (1668-1733)

⁴¹ Carl Philipp Emanuel Bach (1714-1788)

⁴² Jacques Aved (1702-1766)

⁴³ Franz Conrad Löhner (1735-1812)



تصویر منتسب به لویی گابریل گیوما

لویی گابریل گیوما آهنگساز و ویلونیسست فرانسوی متولد ۵ نوامبر ۱۷۰۵ در خانه یکی از اشراف زادگان پاریس بزرگ شد و در سال‌های کودکی درس‌های نواختن ویلن را آغاز نمود و سپس به ایتالیا رفت تا تحصیلات ویلن خود را تکمیل کند. گیوما در ایتالیا با جووانی باتیستا سومیس در تورین تحصیل کرد. او در سن ۲۴ سالگی در لیون بود و به عنوان ویلن اول

آکادمی موسیقی کار می‌کرد، وی این پست را بعد از اجرای موفق‌اش بدست آورده بود. گیوما سپس به پاریس نقل مکان کرد و در ۱۷۳۷ موسیقیدان ساده شاه بود، اما پیشرفت‌های او ادامه داشت تا اینکه در ۱۷۴۰ از دانشمند موسیقیدانان والا مقام دربار محسوب می‌شد. گیوما معمولاً در کنسرت‌های خصوصی رویال کاپل^{۴۴} می‌نواخت. او از اواخر ۱۷۴۰ تا اوایل ۱۷۵۰ با آهنگسازی و اجرای آن‌ها در کنسرت‌های خود راهش را ادامه می‌داد. لویی کلود داکن آهنگساز، دوست و همکارش در طی نامه‌ای به سال ۱۷۵۲ کارها و شخصیت او را می‌ستاید. داکن می‌نویسد: "وقتی از مردی پر از احساس، زندگی و نبوغ صحبت می‌شود بی‌تردید از مسیو گیوما سخن در میان است؛ ویلونیسستی که ویژه و خارق‌العاده بنظر می‌رسد. هیچ دشواری نمی‌تواند او را از پای درآورد و قادر باشد از تصنیف قطعات آکادمیک و حرفه‌ای او که گاه باعث شرمندگی رقبایش می‌شود، جلوگیری کند. آثار این هنرمند منتخب، مشهور و یکی از خوش‌ذوق‌ترین موسیقیدانان معاصر، مملو از زیبایی و جلوه‌گری است." گیوما آفریده‌های زیادی را در کارنامه خود دارد که اغلب آن‌ها برای ساز محبوبش ویلن سروده شده‌اند: این مجموعه از اپوس ۱ تا ۱۸ را در بر می‌گیرند. این آثار در قالب دوئت، تریو، کوارتت و سیمفونیا تصنیف شده‌اند. گیوما در اول اکتبر ۱۷۷۰ در شاویل^{۴۵} شهرکی کوچک در نزدیکی پاریس درگذشت.

فرانچسکو شابران ویلونیسست و آهنگساز ایتالیایی در ۲۸ ژانویه ۱۷۱۹ در تورین متولد شد. از آثار او می‌توان از شش سونات برای ویلن و باس کانتینو نام برد. تاریخ وفات او روشن نیست اما ظاهراً در لندن فوت کرده است.

⁴⁴ Royal Couple

⁴⁵ Chaville

استاد این نواخ موسیقی و ساز ویلن، سومیس در پیوند دادن مکتب قدیمی موسیقی ایتالیا و فرانسه نقش مهمی داشت. از آثار او می توان به شصت سونات برای ویلن و باس از اپوس ۱ تا ۴ و ۶، شش تریو سونات برای دو ویلن و باس اپوس ۵ و قطعه مجلسی با نام ترکیب ایده آل برای دو ویلن، دو فلوت یا دو ویولا اپوس ۷ و شش تریو سونات دیگر با اپوس ۸ اشاره کرد. جووانی باتیستا سومیس در چهاردهم آگوست ۱۷۶۳ دار فانی را وداع گفت.



جووانی باتیستا ویوتی

ویوتی سال ها از استاد پونیانی تعلیم گرفت؛ او خود را در اختیار دانسته ها و پیشنهادهای علمی، فنی و عملی استاد قرار داد؛ پخته و کامل شد و مهارت و توانایی اش را در طی سفرهای متعدد به شهرهای مختلف اروپا در عرض دو سال به نمایش گذاشت. دیگر وقت آن رسیده بود که به تنهایی بخت خود را بیازماید. تصمیم گرفت به پاریس برود. او از ۱۷۸۲ تا ۱۷۹۲ در پاریس اقامت گزید. ده سال تمام برای اهدافش جنگید و یک تنه طعم افتخار، سربلندی و لذت را

چشید. وی ابتدا و برای اولین بار در هفده مارس ۱۷۸۲ در یکی از اولین "اسپریچوال کنسرتس" مربوط به اعیاد مذهبی، در مراسمی که آمیزه ای از کارهای کرال و سازی در آن ارائه می شد به عنوان سولیست و ویرتوئز ویلن به صحنه رفت و با اجرای مالیخولیایی خود، تأثیر شگرف و عمیقی را بر روی شنوندگانش باقی گذاشت. می گویند نوازندگی او آدمی را ناخواسته به یاد وحی و الهامی می انداخت که گویی از سرزمین خدایان صادر می شد و به راستی وی پیام آوری بود که از هنر جدید بشارت می داد. اجرای چنین کنسرت هایی به وی مقبولیت عام داد و ویوتی با بهره گیری از این مقبولیت کامل تر شده و به درجه ای از پختگی و مهارت دست یافت که هرگز هیچ هنرمندی تا آن زمان بدان نایل نشده بود.



جووانی باتیستا ویوتی

صدای ویلنش به مرحله‌ای از خلوص، صافی و روشنی رسید و آنچنان زیبا، ظریف و فریبنده جلوه کرد که انسان را در مقابل کوهی از نور و درخشش قرار می‌داد. به گاه نواختنش گویی الماس‌های پر تالکو به شنوندگانش می‌بارید. او این گونه راه به جاودانگی می‌برد. دو سال از زندگی پربارش با شادمانی و پیروزی گذشت اما بلهوسی عوام‌الناس، افکار تیره مردمان سیاه‌دل، آنان که چشم دیدن پیشرفت و شادی را نداشتند او را بر سر دو راهی قرار داد. ویوتی می‌بایست یکی از این دو

راه را برمی‌گزید: یا به پایین سقوط می‌کرد و حاکمیت بی‌سوادان، کم‌سوادان و قدرت‌طلبان فرصت‌طلب را می‌پذیرفت و یا راه و رسم خود را در نوازندگی ویلن حفظ می‌کرد. او موسیقی را برگزید و تسلیم موسیقی‌ندان-های به ظاهر دانا و عوام‌پسند نشد اما شرایط، وی را چنان دچار فقر، تنگدستی و فرسودگی کرد که تصمیم گرفت دیگر برای عموم ننوازد. از عوام متنفر شد و راه و رسم منزله خود را پی‌گرفت. اقامت در پاریس باعث شد که در سال ۱۷۸۳ به خدمت ملکه ماری آنتوانت^{۴۶} در بیاید و به عنوان ویلونیسیت، استاد موسیقی، مدیر اپرا و آهنگساز کار کند و رهبری برنامه‌هایی چون لژ المپیک^{۴۷} را که هایدن هم سمفونی‌های پاریسی خود را برای آن نوشته بود، به عهده بگیرد.

ویوتی از این همراهی بهره‌ها گرفت و با جلب حمایت ملکه، خواسته‌های خود را در دنیای هنر و اندیشه به کرسی نشاند. بدین ترتیب به کنسرت‌های خصوصی گرایش یافت. در محافل ویژه موسیقی با نواختن و رهبری، با خلق آثار و با حضور مداوم‌اش، خود را از انزوا رهاوند. در سال ۱۷۸۸ بعد از بحث‌هایی ناموفق، بار دیگر کوشش‌هایی را برای راه‌اندازی اصولی اپرا آغاز کرد؛ در این زمان او یکی از اعضای هیئت مدیره اپرا بود.

⁴⁶ Marie Antoinette

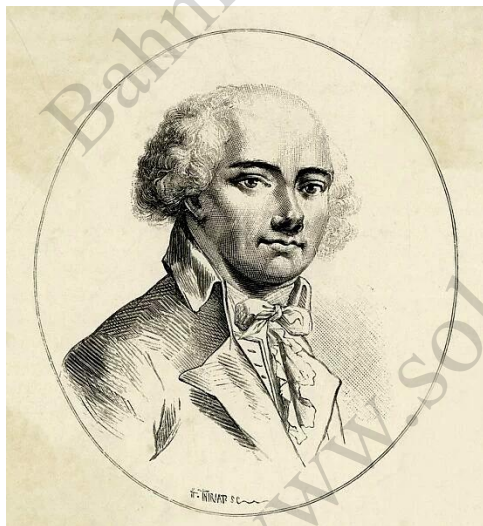
⁴⁷ Concert de la Loge Olympique



لئونارد آلکسی اُتیه

ویوتی به اتفاق لئونارد-آلکسی اُتیه^{۴۸} متولد ۱۷۵۱ آرایشگر ملکه، کسی که توانسته بود یک جواز برای تأسیس اپرای ایتالیایی بدست آورد، تأثر موسیو^{۴۹} را دایر کرد. اتحاد لئونارد و ویوتی پرثمر بنظر می‌رسید و مدیریت ویوتی بسیار موفق و کارآمد بود و آثار بسیاری را برای اجرا به صحنه می‌برد. همهٔ امور بدرستی پیش می‌رفت که طوفان انقلاب در فرانسه کارها را متوقف کرد و بدین گونه تأثری که ویوتی

می‌خواست پا نگرفت. برادر لئونارد، ژان فرانسوا اُتیه^{۵۰} دستگیر و به اتهام ارتباط با دربار محاکمه و به وضع رقت‌آوری در ۲۵ ژوئیه ۱۷۹۴ اعدام شد. ویوتی سراسیمه و درحالی‌که همه چیزش را از دست داده بود در سال ۱۷۹۲ به لندن رفت و درخواست پناهندگی کرد. لئونارد هم در ژوئن ۱۷۹۲ از فرانسه خارج شد و در نهایت به روسیه پناه برد. او دوباره در ۱۸۱۴ به پاریس بازگشت و در ۱۸۲۰ دار فانی را وداع گفت. در همین



جووانی باتیستا ویوتی

زمان یعنی سال ۱۷۹۲ سیاست‌ها در مورد اپرای ایتالیایی به کل در پاریس تغییر کرد. انگلستان وطن دوم ویوتی وی را در آغوش خود پذیرفت و او کار بی‌وقفه خود را آغاز نمود و از همان ابتدا به عنوان ویرتوئز به صحنه رفت. در کنسرت‌های میدان هانور^{۵۱} زیر نظر یوهان پیتر سالومون^{۵۲} با سری جدید کنسرت‌های تازهٔ خود درخشید. ویوتی این کنسرت‌ها را به همین مناسبت تصنیف کرده بود.

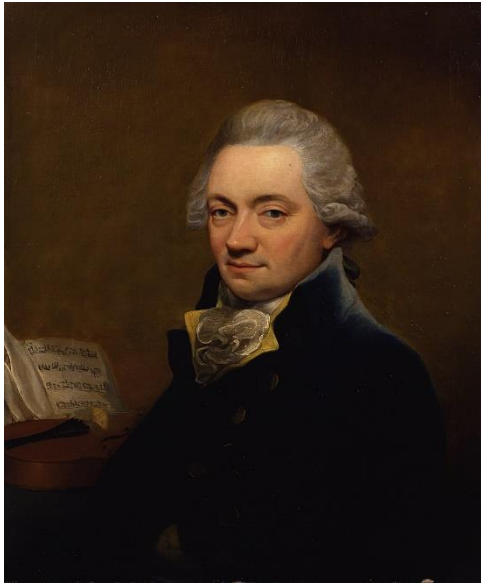
⁴⁸ Léonard-Alexis Autié

⁴⁹ Théâtre de Monsieur

⁵⁰ Jean-Francois Autié

⁵¹ Hanover Square Concerts

⁵² Johann Peter Salomon (1745-1815)



یوهان پیتر سالومون - اثر توماس هاردی^{۵۵}



لودویک فن بتهوون اثر کریستین هرنمن^{۵۶} -

۱۸۰۳

یوهان پیتر سالومون آهنگساز، ویلونیست و رهبر موسیقی آلمانی، متولد بن در ژانویه ۱۷۴۵ چشم به جهان گشود. پدرش نوازنده ابوا در دربار بن بود. او در خانه‌ای متولد شد که بعدها بتهوون نیز در همان خانه به دنیا آمد. یوهان پیتر در ۱۳ سالگی نوازنده ویلن ارکستر بود. در بیست سالگی تور کنسرتی خود را برپا نمود و در برلین و فرانکفورت نواخت و در نهایت کنسرت مایستر و آهنگساز ارکستر شاهزاده پروس^{۵۳} شد. او در این دوران کارهای زیادی را تصنیف کرد

که از آن جمله می‌توان ۱۴ اپرا و یک اوراتوریو را نام برد. در همین ارکستر بود که سالومون آثار هایدن را برای اولین بار به صحنه برد. در اوایل دهه ۱۷۸۰ او به لندن نقل مکان کرد و به عنوان یک آهنگساز و سولیست ویلن و یکی از اعضای یک کوارتت زهی مشغول شد. در کنسرت‌های میدان هانوور ۱۷۸۶، وی مجموعه‌ای از آثار گوناگون و از آن جمله سمفونی‌های هایدن و موتزارت را رهبری کرد. در این هنگام او دو اپرا برای رویال اپرای لندن^{۵۴} به همراه چندین قطعه

آوازی، تعدادی کنسرتو و قطعات موسیقی مجلسی تصنیف کرد. در ۱۷۹۰ به جهت استخدام خوانندگان برای اپرای ایتالیایی در اروپا به سفر پرداخت. وی دوبار موفق به دعوت و آوردن هایدن به لندن شد که مربوط به سال‌های ۱۷۹۱ تا ۱۷۹۲ و ۱۷۹۴ تا ۱۷۹۵ بود. سالومون بسیاری از اولین اجراهای آثار هایدن را در لندن

⁵³ Prussia

⁵⁴ The Royal Opera House

⁵⁵ Thomas Hardy (1757-1804)

⁵⁶ Christian Horneman (1765-1844)

رهبری کرد که سمفونی‌های ۹۳ تا ۱۰۴ هایدن از آن جمله‌اند، این سمفونی‌ها با نام سالومون یا سمفونی‌های لندن شهره‌اند.



فرانز ژوزف هایدن - اثر تام هاردلی ۱۷۹۱

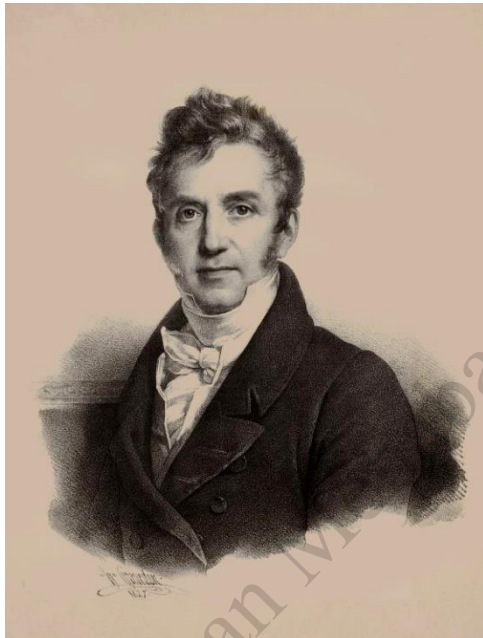
سمفونی کنسرتانت در سی بمل ماژور از سوی هایدن برای شخص سالومون نوشته شد که بخش‌های سلوی ویلن آن به وسیله این ویلونیسست ویرتوئز به اجرا در آمد. در سال ۱۷۹۳ علی‌رغم عدم حضور هایدن در لندن، وی شش کوارتت زهی را تحت اپوس‌های ۷۱ و ۷۴ برای اجرای عمومی کوارتت سالومون تصنیف کرد. در این زمان سالومون یکی از اعضای موسس انجمن فیلامونیک لندن بود و اولین کنسرت این فیلامونی را در ۱۸۱۳ شخصا رهبری کرد. سالومون در سن

هفتاد سالگی (۱۸ نوامبر ۱۸۱۵) در لندن دارفانی را وداع گفت. او از نزدیک با هایدن، موتزارت و بتهون آشنا بود و با آن‌ها کار می‌کرد. وی امروزه بیشتر به خاطر رهبری سمفونی‌های هایدن و دعوت او به لندن شهره است.

ویوتی در سال ۱۷۹۴ خواسته یا ناخواسته دوباره وارد بازار آشفته اپرای ایتالیایی که قبلا مدیران بسیاری را زیر کشیده بود، شد و تلاش‌هایی را برای سامان دادن به کشتی شکسته، کژ و مژ این اپرا در لندن آغاز نمود که علی‌رغم نشانه‌های مثبت، نه تنها نتیجه دلخواه را نداشت بلکه او را گرفتار مسائل مالی و کشمکش‌های سیاسی کرد و البته این مشکلات او را فرسود. در چنین هنگامه‌یی فرانس ژوزف هایدن^{۵۷} بنا به دعوت یوهان پیتر سالومون سفر مشهور و تاریخی خود را از لندن آغاز کرد (۱۷۹۴-۱۷۹۵). ویوتی در این زمان مدیر برنامه کنسرت‌های عام‌المنفعه خود بود که اجراهای متعددی را عرضه می‌کرد، در بعضی از آن‌ها شخص ویوتی به عنوان رهبر و در برخی به عنوان سولیست حضور داشت. او این بار ستاره درخشان کنسرت‌های خیریه بود.

⁵⁷ Franz Joseph Haydn (1732-1809)

چنین فعالیت‌هایی در کنار مدیریت ارکستر تأثر پادشاه تا ۱۷۹۷ ادامه یافت تا اینکه محبوبیت و هنرش، بغض، حسد و کینه عده‌ای را برانگیخت. یک وکیل انگلیسی در یک سخنرانی مهم به بدگمانی و سوء ظن نسبت به او دامن زد و ویوتی را عامل فرانسه انقلابی در لندن قلم داد کرد و سال‌های اقامت او را، دوران توطئه علیه



پی‌یر رُد



فردریش ویلهلم پیکسیس و برادرش یوهان (پیانو)

انگلستان نامید. در همین دوران پی‌یر رُد^{۵۸} یکی از برجسته‌ترین شاگردانش از انگلیس اخراج شد. شایعات گسترش یافت، محافل بهت‌زده شدند و سکوت پیشه کردند. ویوتی در این سکوت پر تنش به انتظار آرامش، لحظه-شمار می‌کرد که بالاخره در سال ۱۷۹۸ به اتهام توطئه علیه پادشاه تبعید شد و ناچار به هامبورگ رفت و در خانه یک بازرگان ثروتمند انگلیسی اقامت گزید و به ویلونیسیت نوجوان سیزده ساله، فردریش ویلهلم پیکسیس^{۵۹} تعلیم داد. در هامبورگ بود که خبر مرگ استادش پونیانی را شنید. ضربه این خبر او را در هم شکست. پونیانی ۶۷ ساله در پانزده جولای ۱۷۹۸ از دنیا رفت و ویوتی را سوگوار کرد. ویوتی در هامبورگ همچون بازنشستگان در گوشه عزلت و یا سکوت ممتد روزگار می‌گذراند. اغلب غمگین بود. سه سالی را در چنین اوضاع و احوال سپری کرد. در این مدت به تصنیف آثار بزرگی دست زد و در میان غم و اندوه پی‌درپی، شاهکارهای خود را نوشت. ۲۹ کنسرتو برای ویلن که از حیث ایده‌های موسیقی همه آهنگسازان و از آن جمله

⁵⁸ Pierre Rode (1774-1830)

⁵⁹ Friedrich Wilhelm Pixis (1786-1842)

بتهوون و اشپور^{۶۰} شد. لویی اشپور آهنگساز، ویلونیست و رهبر ارکستر آلمانی متولد ۵ آوریل ۱۷۸۴ با داشتن



لویی اشپور

ده سنفونی، ده اپرا، ۱۸ ویلن کنسرتو، ۴ کلارینت کنسرتو، ۴ اوراتوریور، آثاری برای آنسامبل کوچک، موسیقی مجلسی و آواز از محبوبترین موسیقیدانان دوران گذر از کلاسیسم به رومانتیسم است. مرگ او در ۲۲ اکتبر ۱۸۵۹ اتفاق افتاد. ویوتی به غیر از این ۲۹ کنسرتو، قطعات و کارهای دیگری خلق کرد که در برنامه‌های ویلنیست‌های امروز به عنوان اتود^{۶۱} و کاپریس^{۶۲} به چشم می‌خورد. کنسرتو ویلن شماره ۲۲ یکی از مشهورترین کنسرتوها و پژوهشی نو در تکنیک نوازندگی و نحوه پرداخت ایده‌های موسیقایی است. این

کنسرتو بیشتر از دیگر آثار ویوتی اجرا می‌شود. کنسرتو ویلن شماره ۲۲ در لا مینور از سه قسمت تشکیل شده است. او با بهره‌گیری از تکنیک متعالی، با سود بردن از گروپتو^{۶۳} و تریل^{۶۴} حالت ایتالیایی اثر را زنده نگه می‌دارد. دو بل‌گردهای کنسرتو شماره ۲۲ نشان‌دهنده میزان فهم ویوتی از تکنیک و صدادهی ساز ویلن است. در قسمت دوم این کنسرتو در حالیکه ارکستر دقیقاً نقش همراهی خود را حفظ می‌کند، ویلن به شاعری می‌ماند که فی‌البداهه می‌سراید. نغمه‌های پی‌درپی زیبا و دل‌انگیز این بخش، قسمت دوم کنسرتو شماره ۲۲ را از شکوهی بی‌پایان مملو کرده است. این رویاهای به گونه کلاسیک و موتیف‌های بی‌نهایت زیبا به قسمت سوم منتهی می‌شود. آجی‌تاتو آسای^{۶۵} که عصبی، پیش‌رونده، پر جست و خیز بنظر می‌رسد، کنسرتو را با سرعت به پایان می‌برد. همه دانسته‌ها و امکانات آهنگساز در اینجا به کار گرفته شده‌اند. میراث عظیم کلاسیسم و گنجینه کنسرتو سازی ایتالیایی، این جا در جوش و خروش ویلن و ارکستر گرد آمده‌اند. ویوتی خود نیز

⁶⁰ Louis Spohr (1784-1858)

⁶¹ Etude

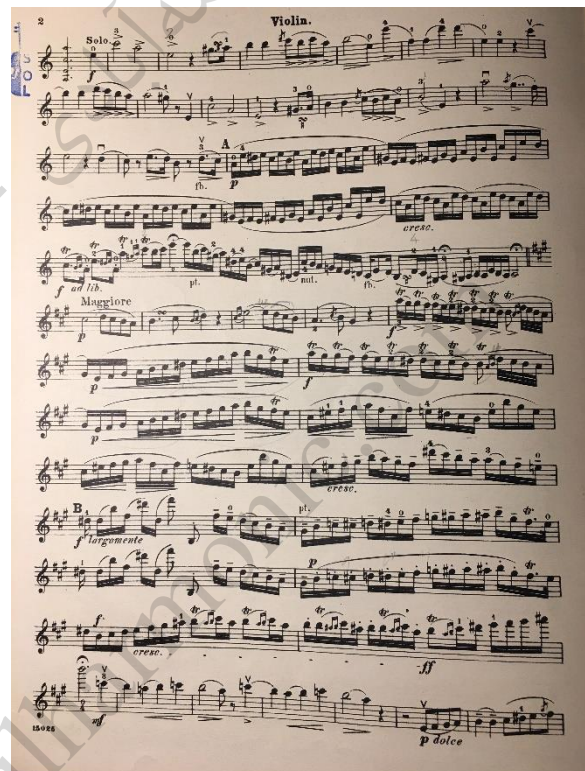
⁶² Caprice

⁶³ Gruppetto

⁶⁴ Trill

⁶⁵ Agitato assai

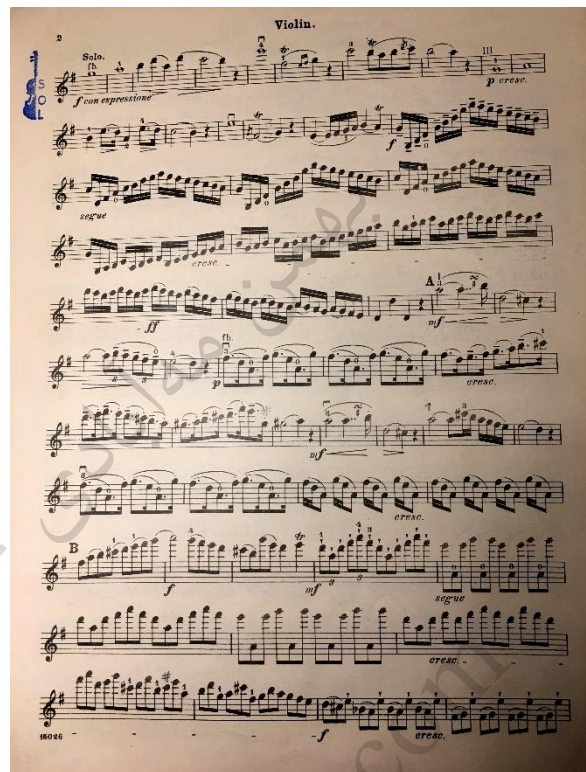
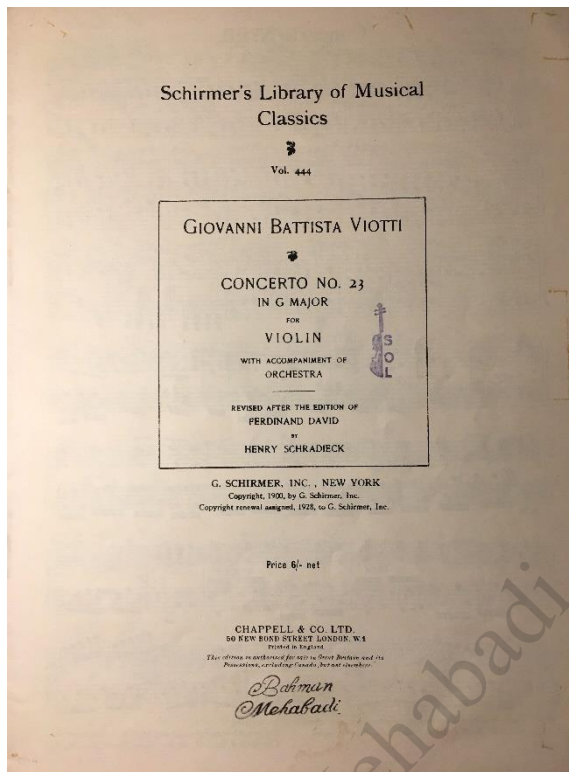
کنسرتو شماره ۲۲ را بیش از بقیه آثارش می‌نواخت. او در این اثر حساسیتی به خرج داده که آن را مشکل‌تر و جذاب‌تر از دیگر آثارش کرده است. کنسرتوی شماره ۲۳ در سل مازور از دیگر کارهای مشهور اوست. آثار ویوتی باعث پیشرفت‌هایی در فن آهنگسازی می‌شود که در کار موسیقیدان هم زمانش موتزارت نیز به چشم می‌خورد.



ویلن کنسرتو شماره ۲۲

ویوتی شخصا هایدن، موتزارت و بتهوون را می‌شناخت. موتزارت برای ویلن کنسرتوی شماره ۱۶ ویوتی دو پارت ترومپت و تیمپانی را در تاریخ ۱۷۸۵ اضافه کرده است.

آن چه امروزه در دسترس ماست و به صورت پیشرفته‌ترین طرح‌ها برای کنسرتو و سونات درآمده، تا حد زیادی مدیون کارهای استادان پیشین و از آن جمله ویوتی است. ویوتی در توسعه و تکامل کنسرتو و سونات و پرداخت استادانه سازهای همراه، چنان نبوغ و تدبیری بکار برده که آثارش هم اینک نیز جزو ماندگارترین شاهکارهای جهان موسیقی محسوب می‌شوند. احتمالاً خودش هم متوجه بود که فرم‌های سولیستی را در سازهای مختلف و از آن جمله ویلن چه از لحاظ تکنیکی، چه از نظر ایده‌های موسیقایی و چه از دیدگاه



ویلن کنسرتو شماره ۲۳

نوازندگی به سوی کمال و پختگی سوق می‌دهد. او خود را یکپارچه وقف موسیقی کرد تا برای ابد در صدا جاودانه بماند. ویوتی در تنهایی به آفرینش ادامه می‌داد، دیگر پیر شده بود، بار دیگر بر آن بود که از اجتماع دوری کند و دست از موسیقی حرفه‌ای بکشد. دو دل، نگران و اندیش‌ناک سرنوشت را نظاره می‌کرد که عاقبت تصمیم خود را گرفت. خط مشی زندگی حرفه‌اش را به طور کامل و یکسره تغییر داد. در همین دوران حدود ۱۸۰۱ با وساطت برادر شاهزاده ویلز شهروندی بریتانیا دوباره به او اهدا شد و او به لندن بازگشت و دست به کار تجارت شد. مدتی نگذشته بود که عشق عمیقش به موسیقی وی را از کار تجارت باز داشت. به آهنگسازی روی آورد، آثاری جاودانه خلق کرد. همانقدر که در موسیقی موفق بود، در تجارت شکست خورد. با این همه این دوره از زندگی‌اش با شاهکارهای نامیر سرشار بود. مدام خلق می‌کرد. آخرین و بهترین کنسرتوهای خود را نوشت اما هنوز سرنوشت بازی‌های بسیار با او داشت. تصمیم گرفت به پاریس برگردد. به پاریس رفت. همه جا بوی انقلاب می‌داد. خیابان‌ها و معابر از فضای انقلاب سرشار بود. او در پاریس دوستانش را دید و به دیدار مکان‌های پر خاطره رفت. به ترغیب یکی از رفقاییش بر آن شد که در حضور عموم بعضی از کنسرتوهای قدیمی‌اش را بنوازد. در سال ۱۸۱۲ در آن شهر کنسرت داد. همه آمدند تا این ویرتوئز بزرگ را بشنوند. کنسرت



ویلن کنسرتو شماره ۲۹



لویی هجدهم - حدود ۱۸۱۴

۱۸۱۲ بار دیگر نام او را بر سر زبان‌ها انداخت. به لندن بازگشت، در ۱۸۱۳ ویوتی یکی از بنیان‌انجمن فیلارمونیک لندن بود. سال‌هایی چند گذشت. در ۱۸۱۸ بنا به تقاضای لویی هجدهم^{۶۶} او به پاریس رفت و از ۱۸۱۹ تا ۱۸۲۱ مدیریت اپرای پاریس را عهده‌دار شد و سپس از ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۲ مدیر تئاتر ایتالیایی پاریس بود. اپرای زوال‌یافته که غرق در سکون و سکوت بود، با اقدامات ویوتی به تحرک افتاد. جوانی باتیستا تمام همت خود را به خرج داد تا اپرای ایتالیایی را به بلندترین مرتبه ترقی و کمال خود برساند اما قتل دوک دوبری^{۶۷} سومین و کوچکترین پسر شارل دهم^{۶۸}، هنگام خروج از اپری پاریس در سال ۱۸۲۰ باعث تعطیلی دوباره این تئاتر شد. ویوتی ناکام ماند و با آرزوی بر باد رفته، شکست را پذیرفت و از بازسازی و راه‌اندازی مجدد اپرای ایتالیایی مایوس گردید. تصمیم به استعفا گرفت و در ۱۸۲۲ رسماً کناره‌گیری کرد و برای همیشه پاریس را ترک گفت. در نوامبر ۱۸۲۳ به همراه خانم مارگارت چینری^{۶۹} به لندن رفت. پیر و خسته بود. تصمیم داشت آثارش را گرد بیاورد و مرور کند. شاهکارهایی که نامش را برای ابد جاودانه خواهند

⁶⁶ Louis XVIII (1755-1824)

⁶⁷ Charles Ferdinand, Duke of Berry (1778-1820)

⁶⁸ Charles X (Charles Philippe) (1757-1836)

⁶⁹ Margaret Chinnery

ساخت، برای آخرین بار از زیر نگاهش گذشتند و به ابدیت پیوستند. دو سمفونی کنسرتانت برای دو ویلن، حدود ۲۱ کوارتت زهی و ۲۱ تریو برای سازهای زهی با ۵۱ دوئت برای دو ویلن که هنوز هم بسیار برجسته و از اهمیت آموزشی ویژه‌ای برخوردارند، از جمله این شاهکارها هستند. ۱۸ سونات برای ویلن و باس، یک سونات برای ویلن و پیانو و قطعاتی برای آواز، از دیگر آثار نامیر او به حساب می‌آیند. ویوتی به عنوان یک ویلونیسست و یرتوتز در معاصرانش تأثیر گذاشت، همچنان که کورللی و تارتینی قبل از او و اشپور بعد از وی چنین تأثیری را در هم‌دوره‌های خود داشتند. ویوتی در آیندگانش نیز، خود موثر بود. شاگردانی مبتکر و افتخارآفرین تربیت کرد: بایلوت^{۷۰}، رد، کرویتزر^{۷۱} و لیبون^{۷۲} ویلونیستهای برجسته، از جمله شاگردان او هستند که با آثار خود جهانی را به حیرت واداشتند. آن‌ها آموخته‌ها و نبوغ شخصی خود را همچون ویوتی به نسل بعد از خود انتقال دادند و از گنجینه دانسته‌های استاد پیر بهره بردند و همچنان که استاد انتظار داشت بیش از پیش جلو



فیلیپ لیبون



پی‌یر بایلوت اثر ژان باتیست سینگری^{۷۳}

حدود ۱۸۱۰



رودولف کرویتزر

رفتند تا رسالت خود را به انجام رسانند. دو تن از دیگر شاگردانش پل آلدی^{۷۴} و آگوست دورانوسکی^{۷۵} بودند که دومی تأثیر مثبتی را روی نیکولو پاگانینی داشت و البته تأثیر شخص ویوتی در رودولف کرویتزر غیرقابل

⁷⁰ Pierre Baillot (1771-1842)

⁷¹ Rodolphe Kreutzer (1766-1831)

⁷² Philippe Libon (1775-1838)

⁷³ Jean-Baptiste Singry

⁷⁴ Paul Alday (1763-1835)

⁷⁵ August Duranowski (c1770-1834)

انکار به نظر می‌رسد. ویوتی در این زمان سخت معتقد بود که در زندگی‌اش کار مهمی نکرده است. سال ۱۸۲۳ فرا می‌رسد. ویوتی ناتوان و خسته، در پی آرامش لحظه شماری می‌کند. در سوم مارس ۱۸۲۴ در حالی که به شدت تنگدست، تنها و بی‌نواست، جان به جان آفرین تسلیم می‌کند و برای همیشه خاموشی می‌گیرد. مرگ ویوتی، پایان راه، سبک و تکنیک او نیست. زیرا نامش ابدیت گرفته و آثارش رنگ جاودانگی می‌یابند اگر چه فرانسوی‌ها از مرگش هم باخبر نمی‌شوند!



ویوتی با تعدادی از سازهای استرادیواراوس که متعلق به شخص اوست می‌نوازد اما در نهایت یکی از ویلن‌ها (ویوتی استراد) که در ۱۷۰۹ ساخته شده است با نام او شهره می‌شود. آنتونیو استرادیواراوس^{۷۶} بزرگترین سازنده ساز در ایتالیای سال‌های ۱۶۴۴ تا ۱۷۳۷ شخصیت بی‌مانندی بود که تاریخ موسیقی ساز تاکنون به خود دیده است.

آنتونیو استرادیواراوس



ویوتی استراد - ۱۷۰۹

⁷⁶ Antonio Stradivari (1644-1737)



گوایدو ریمندا

ویوتی در وصیت‌نامه‌اش خطاب به خانم چینری یکی از حامیان و دوست آخرین سال‌های زندگی‌اش در لندن، از کنسرتوهای منتشر نشده خود سخن به میان می‌آورد که احتمالاً اشاره به سه کنسرتویی است که در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ گوایدو ریمندا^{۷۷} کشف کرد که با شماره‌های ۳۰ تا ۳۲ معرفی شدند. این کنسرتوها اغلب ناقص هستند و از هر کدام دو موومان بیشتر باقی نیست. ریمندا خود شخصا تا

سال ۲۰۲۳ مجموعه کامل کنسرتو ویلن‌های ویوتی را چاپ و اجرای آن‌ها را منتشر کرد. گوایدو ریمندا ویلونیسیت و رهبر موسیقی ایتالیایی متولد ۱۹۶۹ اجرا و ضبط بسیاری از آثار موسیقی کلاسیک جهان را در کارنامه خود دارد که از جمله آن‌ها ۳۲ کنسرتو ویلن ویوتی است. او به عنوان سولیست و رهبر ارکستر مجلسی دوکاله^{۷۸} شهر ورچلی ایتالیا این کنسرتوها را اجرا کرده است.

موسیقی ویوتی در اطراف شخصیت ساز محبوبش ویلن شکل می‌گیرد و این عشق و علاقه به حدی است که او حتی در کوارتت‌های خود نقش ویلن اول را برجسته تر می‌کند. این برخلاف رویه کوارتت‌های هایدن است که در آن‌ها کلیه چهار ساز از اهمیت تقریباً یکسانی برخوردارند. در میان کوارتت‌های ویوتی شماره‌های ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۱۴ آثار کنسرتانت هستند که برای هر عضو کوارتت بخش‌های سلو در نظر گرفته شده است. این کارهای متعلق به سال ۱۸۱۵، در پاریس به سال ۱۸۱۷ منتشر می‌شوند. در میان کارهای مجلسی او اپوس‌های ۱۸ و ۱۹ معروف‌تر از دیگر کارهای او ذکر شده‌اند.

⁷⁷ Guido Rimonda (1969-)

⁷⁸ Ducale, Vercelle

امسال (۲۰۲۴) همزمان با دویستمین سال خاموشی ویوتی (۱۸۲۴) فستیوال بین‌المللی موسیقی او در ورچلی ایتالیا برگزار می‌شود و این فرصتی مغتنم برای گرامیداشت انسانی‌ست که از حدود یک قرن و نیم پیش از یادها رفت و فراموش شد تا اینکه در پنجاه سال اخیر دوباره کشف و معرفی گردید. او را پدر موسیقی مدرن ویلن و آرشه‌امروزی نامیده‌اند. یاد و نامش گرامی باد.



سکه یادبود ویوتی

در پایان لازم می‌دانم از دوستان و همکاران گرامی‌ام جناب آقای سیامک سلطانی‌زاده و سرکار خانم ارغوان صباحی برای همراهی‌های صمیمانه سپاسگزاری کنم.